



مهراب قاسمخانی
نویسنده:

**دوست دارم «افتو»
کنار رامبد جوان بماند**

در میانه این هیاهو مهراب قاسمخانی را دیدم که در گوشه‌ای به شهری که در تصوراتش بود و با قلم خود نگاشته بود نگاه می‌کرد. به سراغش می‌روم، با روی باز او مواجه می‌شوم و با او به گپ و گفت درباره کاراکتر «افتو» نشستیم.

مهراب قاسمخانی نویسنده سینما و تلویزیون درباره خلق عروسک برنامه «کارناوال» گفت: ایده «افتو» چند سال پیش برای یک پروژه دیگر شکل گرفت. یکی از حدود سی تا کاراکتر بود و اصلاً قرار نبود عروسک باشد. فقط یک کاراکتر بود و خودم نمی‌دانستم به درد انیمیشن می‌خورد یا چیست. اتفاقاً حتی به عروسک هم فکر نکرده بودم و بیشتر ذهنم سمت انیمیشن بود. این نویسنده بیان کرد: وقتی رامبد پیشنهاد «کارناوال» را مطرح کرد و خواست که به عنوان نویسنده همراه برنامه شوم، یک دفعه فکر کردم که چه کسی بهتر از رامبد می‌تواند یک کاراکتر را این طور معرفی کند؟ تجربه‌اش را هم در جناب‌خان دیده بودیم. پیشنهاد دادم، اما خیلی مطمئن نبودم؛ چون برنامه اصلاً جای عروسک نداشت و منطقی نبود. فقط دلم می‌خواست این اتفاق بیفتد. جلساتی گذاشتیم و رامبد از کاراکتر خوشش آمد و فکر کرد جای کار دارد.

او درباره شکل‌گیری کاراکتر این‌گربه در کنار رامبد جوان عنوان کرد: قبل از «کارناوال»، «افتو» این شکلی نبود. کاری که رامبد با کاراکتر می‌کند این است که اجازه می‌دهد کاراکتر با خودش شوخی کند. همان چیزی که رامبد بلد است. بهادر مالکی هم اولین پیشنهاد رامبد بود و چون قبلاً با او کار کرده بودم و خلاقیتش را می‌شناختم، خیالم راحت شد و سابقه کارش با آقای هلماسب هم باعث شد مطمئن‌تر شوم.

خالق افتو اذعان کرد: خیلی از چیزهایی را که از قبل برای «افتو» نوشته بودم کنار گذاشتم. در کنار رامبد و بهادر کاراکتر دوباره شکل گرفت. سر دورخوانی‌ها می‌نشستم و پیشنهادهای رامبد و بهادر را می‌دیدم. رامبد بلد است طوری با کاراکتر دوست شود که آدم حس می‌کند کاراکتر واقعاً وجود دارد.

او گفت: همه با «افتو» مثل یک موجود زنده برخورد می‌کنند و دوست دارم «افتو» کنار رامبد جوان بماند.



محمد شریفی
تهیه‌کننده:

**احتمالاً از خرداد سال آینده
پیش تولید فصل بعد را شروع می‌کنیم**

بعد از این گفت‌وگو به سراغ محمد شریفی تهیه‌کننده برنامه رفتم. او درباره روند پیوستن خود به پروژه گفت: تهیه‌کنندگی «کارناوال» در ابتدا اصلاً قرار نبود به من برسد. من با یک پلتفرم دیگر قرارداد بسته بودم؛ پلتفرمی که فیلم‌نت نبود. ما برای یک ریالیته شو طرح بسته بودیم و من برای کارگردانی و اجرا با رامبد جوان تماس گرفتم. از او خواستم طرح را گوش کند و اگر علاقه‌مند بود وارد پروژه شود. رامبد لطف کرد، پذیرفت و با ما همراه شد. اما در جریان ایده‌پردازی، طرح اولیه کاملاً تغییر کرد و شد کارناوال.

او درباره سرنوشت پلتفرم اولیه توضیح داد: پلتفرمی که با آن قرارداد داشتیم ورشکست شد و از بین رفت. اسمش ایمان بود. ما وسط پروژه مانده بودیم؛ در حالی که هم ما و هم آن‌ها کلی هزینه کرده بودیم. با چالش‌های زیاد روبه‌رو شدیم. اما رامبد واقعاً تلاش کرد و همراهی‌اش باعث شد بتوانیم پروژه را به فیلم‌نت منتقل کنیم. فیلم‌نت هم همراهی کرد و پروژه بالاخره شکل گرفت. ایده اولیه کارناوال نبود و رامبد هم راستش آن طرح را خیلی دوست نداشت؛ اما ارتباط خوبی با تیم گرفت و این همدلی باعث شد کار جلو برود.

شریفی درباره تیم تولید توضیح داد: هسته اولیه تیم حول رامبد شکل گرفت، اما تیم ما هم بخشی از آن بود و به تدریج گسترده‌تر شد.

او درباره نغدهای مربوط به حجم تبلیغات و اسپانسرینگ برنامه گفت: این فضایی که می‌بینید در هیچ برنامه‌ای سابقه نداشته است. اینجا آب، برق و گاز نداشت؛ همه زیرساخت‌ها را ما ایجاد کردیم. ۵۰۰ نفر تماشاگر هر روز دو وعده غذا می‌خورند. تعداد عوامل «کارناوال» حدود ۳۷۰ نفر است، جدا از کسانی که دکور را ساختند. برنامه بسیار پرهزینه است. پروژه قبلی من اسکار بود؛ پروژه‌های بزرگ با ۲۴ بازیگر و چند لوکیشن. اما «کارناوال» حدود هفت برابر اسکار هزینه داشت. هیچ پلتفرم یا اسپانسر به تنهایی نمی‌تواند چنین هزینه‌ای را بدهد.

او درباره نحوه جذب اسپانسر توضیح داد: وقتی شروع

کردیم هنوز فضا ساخته نشده بود. مجبور بودیم روی زمین خاکی اسپانسر جمع کنیم و به همین دلیل اسپانسرهای خرد گرفتیم تا هزینه ساخت تأمین شود. امیدوارم برای فصل بعد بتوانیم یک یا حداکثر دو اسپانسر بزرگ داشته باشیم تا دیگر سراغ اسپانسرهای ریز نرویم.

شریفی درباره زمان احتمالی فصل بعد گفت: احتمالاً سال آینده از خرداد پیش تولید را شروع می‌کنیم. پیش تولید «کارناوال» بسیار سنگین است. اجراهایی که می‌بینید باید مدت‌ها تمرین و آماده‌سازی شوند. کل پروژه کارناوال از صفر تا صد بیش از یک سال و نیم طول کشید و فقط پیش تولید حدود یک سال و یک ماه زمان برد.

او درباره سرنوشت لوکیشن بزرگ کارناوال توضیح داد: این فضا را برای استفاده طولانی مدت ساخته‌ایم. قطعاً برای یک پروژه ساخته نشده است. اینجا به قدری بزرگ و مجهز است که می‌توانیم پروژه‌های مختلف در آن انجام دهیم. هر بخش فضای اختصاصی خودش را دارد؛ از گریم و لباس تا کانکس‌های مستقل برای هر تیم.

شریفی در پایان درباره «کارناوال تر» نیز گفت: به نظر من کارناوال تر مظلوم واقع شد. اوایل پروژه آن قدر کارناوال بزرگ بود که فرصت کافی برای پرداختن به «کارناوال تر» نداشتیم. اما الان برنامه واقعاً جذاب شده و از قسمت ۱۰ یا ۱۲ تازه خودش را پیدا کرده است. میلاد مهدوی کارگردان آن است و به نظرم بسیار موفق عمل کرده است.

رامبد جوان؛ قلب تپنده شهرک کارناوال

پشت صحنه کارناوال مرزی بین بازیگر و شرکت‌کننده و مهمان و کارگردان نداشت؛ همه در یک جریان واحد غلت می‌خورند. بعضی‌ها شوخی می‌کردند؛ بعضی در آغوش هم می‌خندیدند؛ بعضی جدی مشغول ضبط می‌شدند و دوباره از صحنه خارج می‌شدند.

رامبد جوان، مثل نبض این شهرک زنده، مدام بین استیج‌ها و گروه‌ها حرکت می‌کرد؛ یک لحظه بعد با نورپردازان درباره رنگ نور حرف می‌زد، لحظه بعد با گروه موسیقی شوخی می‌کرد، چند ثانیه بعد درباره زمان‌بندی اجراها بحث می‌کرد و دوباره با خنده کنار جمعیت ظاهر می‌شد. این رفت و برگشت‌ها طوری بود که اگر او چند دقیقه از حرکت می‌ایستاد، انگار بخشی از انرژی فضا خاموش می‌شد.



رامبد جوان
مجری و کارگردان:

**هیچ فرایند جهت‌دار یا
دست‌چینی وجود ندارد**

وسط یکی از توقف‌های ضبط، رامبد جوان با خبرنگاران جلسه‌ای گذاشت و علی‌رغم اینکه خبرنگاران مایل به مصاحبه با او بودند، از مصاحبه امتناع کرد و از سوی جوان درخواست شد تا خبرنگاران سوالات خودشان را در دفاعیه از او بپرسند. اما جذاب‌ترین بخش، همان گفت‌وگوی کوتاهی بود که رامبد برای پاسخ‌دادن به پرسش‌ها انجام داد؛ گفت‌وگویی صریح، مستقیم و شفاف. او گفت پرسش‌هایی که مطرح می‌شود از دل خود گروه و مخاطب آمده و طبیعی است که باید درباره‌شان توضیح داد.

وی درباره فاصله ضبط تا پخش گفت که زمان آنقدر کم است که رأی‌گیری خارج از محیط «کارناوال» عملاً غیرممکن است؛ از نظر فنی، اجرایی و حتی رسانه‌ای هم قابل مدیریت نیست. جوان با اشاره به این که همه چیز باید در همان زمان و همان لوکیشن انجام شود و هر طرح دیگری روند پخش را مختل می‌کند، درباره انتخاب تماشاچی‌ها و شایعه طرفداری از برخی شرکت‌کننده‌ها افزود: انتخاب‌ها کاملاً رندوم است و هیچ فرایند جهت‌دار یا دست‌چینی وجود ندارد. حتی اگر از اجرایی خوشش نیاید، هیچ وقت اجازه نمی‌دهد این حس در رفتار یا انتخاب تماشاچی‌ها دیده شود؛ چون هر رفتار کوچک می‌تواند روند رأی‌گیری را منحرف کند. گفت‌گویی از اجرایی خوشش نیامده اما هیچ نشانه‌ای بروز نداده، چون حس شخصی نباید رأی جمعی را تغییر دهد.

سپس سراغ یکی از مهم‌ترین موضوعات رفت: حضور

طرفداران افراطی برخی چهره‌ها. وی گفت اوایل کار فهمیده‌اند که بعضی سلبریتی‌ها طرفداران زیادی دارند و وقتی وارد سالن می‌شوند، نتیجه رأی‌گیری را تغییر می‌دهند. برای همین، مکانیزم‌هایی برای کنترل ورود فن‌ها گذاشته شده تا بیشتر مخاطب معمولی حضور داشته باشد؛ مخاطبی که بی‌طرف‌تر و عادلانه‌تر رأی می‌دهد.

موضوع تعویض دکور و فاصله زیاد بین اجراها هم مطرح شد؛ رامبد توضیح داد که قرار است یک استیج دوم درست مثل استیج فعلی در طرف دیگر محوطه ساخته شود تا دکورها هم‌زمان آماده باشند و فقط گروه‌ها جابه‌جا شوند. این کار زمان‌های مرده را کم می‌کند و روند ضبط را روان‌تر و جذاب‌تر می‌سازد.

اما بحث اصلی، همان موضوع «بها دادن به سینما» بود؛ شایعه‌ای که در فضای مجازی زیاد تکرار شده بود. رامبد با جدیت گفت نگاهش نسبت به همه یکسان بوده و حمایت خاصی از کسی نکرده است. اگر سینما موفق شده، نتیجه عملکرد خودش بوده و برداشت مخاطب از دیده شدن بیشتر او نباید تبدیل به قضاوت درباره پشت پرده شود. وی گفت این قضاوت‌ها ناشی از نگاه مخاطب است نه واقعیت. روند تولید. جوان در توضیح تدوین هم تأکید کرد که تدوینگر هیچ موضع‌گیری ندارد؛ گاهی یک اجرا ظرفیت بیشتری برای مانور دارد و طبیعی است که بیشتر در خروجی دیده شود. از طرفی رسانه برنامه دنبال اویرال شدن است و بعضی لحظه‌ها شناس بیشتر برای انتشار دارند؛ همین موضوع باعث می‌شود برخی اجراها در فضای عمومی بیشتر دیده شوند و همین دیده شدن گسترده گاهی سوءتفاهم ایجاد می‌کند.

اینجا تماشاگران هم بخشی از قصه‌اند

در دل این همه هیاهو، نکته شگفت‌انگیز این بود که مخاطبان حاضر در ضبط، انگار خودشان هم بخشی از تیم تولید شده بودند. آن‌ها می‌دانستند چه زمانی باید سکوت کنند، چه زمانی باید واکنش نشان دهند؛ درباره روند تعویض دکور حرف می‌زدند، درباره هماهنگی بین استیج‌ها نظر می‌دادند و حتی زبان نورپردازان و نحوه تنظیم دوربین‌ها برایشان آشنا شده بود. این همراهی، تجربه ضبط را تبدیل کرده بود به یک مشارکت واقعی؛ مشارکتی که کمتر در برنامه‌های تلویزیونی دیده می‌شود.

کارناوال با همین ویژگی‌ها به تجربه‌ای نسل‌زد پسند تبدیل شده است. تجربه‌ای که در آن شوخی، طنز، آزاد بودن، حق نظر دادن و حس مشارکت واقعی نقش مهمی دارند. این برنامه فقط یک مسابقه یا یک شو نیست؛ یک فضای مشترک است، یک صحنه باز برای حضور آدم‌های مختلف، و نقطه‌ای که مخاطب فقط تماشاچی نیست، بلکه بخشی از یک جریان زنده است.

این پشت صحنه، بیشتر شبیه یک قصه بود؛ قصه شهری که هر شب ساخته می‌شود و سحرگاه جمع می‌شود، قصه آدم‌هایی که با خلاقیت و انرژی و گاهی خستگی و گاهی لبخند شهری رامی‌سازند که فقط چند ساعت زنده است و بعد دوباره فردا باید از نو ساخته شود. قصه‌ای که کارناوال روایت می‌کند؛ قصه‌ای پر از نور و موسیقی و خنده و رقابت و پرسش و پاسخ و شفافیت. و هر قدمی که در این سیرک بزرگ برمی‌داری، خودش بخشی از همین قصه است.

در پایان آتش‌بازی کوتاهی اجرا شد و جرقه‌ها در هوا رقصیدند؛ همین چند ثانیه آتش و نور، انگار یک تزریق انرژی به کل گروه بود تا برای فصل جدید آماده شوند.

